

۱۵۵۸۴

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

جمهوری اسلامی ایران

کتاب: منتخب از احکام نجومی

مؤلف: \_\_\_\_\_

مترجم: \_\_\_\_\_

شماره قفسه: ۱۵۵۸۴

شماره ثبت کتاب: ۹۱۱۳۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

نسخه از احکام نجومی

جلد هفتم

۷۹ / ۱۶ / ۷

جروحه سال ۱۳۰۰

سنگ بر آقا / حسینی

۸۰۰۰۰ / ۵

استوارترال



حلب مقدم

نہی از احکام نبوی  
جڑوہ سالہم.

سید محمد آقا / حسین

۸۰۰۰/۵۰۰

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: *نخبی از احکام نجومی*

مؤلف: \_\_\_\_\_

مترجم: \_\_\_\_\_

شماره قفسه: *۱۵۵۸۴*

شماره ثبت کتاب: \_\_\_\_\_

جمهوری اسلامی ایران

۹۱۱۳۰



حلب هدم

نہی از احکام نبوی  
خروج سالہ

مکتبہ اہل انصاف / حیدرآباد

۸۰۰۰/۵  
مستزاد

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: مخبر از احکام نجومی

مؤلف: \_\_\_\_\_

مترجم: \_\_\_\_\_

شماره قفسه: ۱۵۵۸۴

شماره ثبت کتاب: \_\_\_\_\_

جمهوری اسلامی ایران

۹۱۱ ۳۰

1  
2  
3  
4  
5  
6  
7  
8  
9  
10  
11  
12  
13  
14  
15  
16  
17  
18  
19  
20  
21  
22  
23  
24  
25  
26  
27  
28  
29  
30  
31  
32  
33  
34  
35  
36  
37  
38  
39  
40  
41  
42  
43  
44  
45  
46  
47  
48  
49  
50  
51  
52  
53  
54  
55  
56  
57  
58  
59  
60  
61  
62  
63  
64  
65  
66  
67  
68  
69  
70  
71  
72  
73  
74  
75  
76  
77  
78  
79  
80  
81  
82  
83  
84  
85  
86  
87  
88  
89  
90  
91  
92  
93  
94  
95  
96  
97  
98  
99  
100





۱۵۵۸۴  
۹۱۱۳۰

بسم الله الرحمن الرحيم

در استخراج الی پست در پشت فصل که اندر اول یاد کرده شد اندر عدت پست  
پست **خدا بر حسب** بدانی ماه در برج از کفار و کجای **قیم** **فصل اول** در حکم  
ولیدای کفر افشا بربورج پول در برج **حد** کرد و لید کند بر ترس  
ویم پادشاهی و مرگ یکی از بزرگانی و قحط و شکلی طعم و مرگ چهار پایانی و دشمنی ولایت  
از دزدانی و راهزنی و غصب و اندیشه مردم اگر در **قر** کرد و لید کند  
بر تبهایی و دشمنان و مرگ ثروانی و افست کشتن و زیاده و قحط چهار پایانی و ناسازگاری  
از وایع و طلاق و ادنی ایشان را اگر در **سونا** کرد و لید کند بر فساد و تباهی حال  
بزرگانی و فساد و کشتن و کجای اب اگر در **سردان** کرد و لید کند بر کجای ابی  
بارانی و کرافتی و زخماء و مرگ چهار پایانی و افست مرغی و در حد ولایت و مرگ  
بسیار و نیز و لید کند بر ترس ویم از کجای که خدا در سرلی راش شد اگر در **سند** کرد  
و لید کند بر مرگ شرافت و مال بزرگانی و فست چهار پایانی و بی لمانی مردمان و بیماری  
و زوای و مردمانی یا و شاهی از جانب شرق و زیم و لید است که این پادشاه حاکم



خواستار را بکند اما طعم و نباتات زمین بسیار باشد اگر در **سند** بگردید  
کند برف و گشتاید و کی تجارت و دزدان و چاهری های بسیار و کی بارانی نادر  
بسیار و خردست است سلام باقیه مردم اگر در **مقبره** در میان کند بر جنگ و خرد  
در نایه کرمان و سیتان و پیران آمدن خواجه و اشقیای راه مار و زکب و دزدان و راه  
زنای و پیدا شدن افتاد و در دیار قهستان و مرک و خزان و شیراز اگر در **عقب** بگرد  
و لید کند بر جنگ و خردست و در نایه امدان و صفهان و بیشترانی که بایشان تعلق دارد  
و تشریف بخشی اندر ولایت اما میره بسیار و در قاصد انور و اگر در **قوس** بگردید  
کند بر زمین لرزه و صفهان و قاصد بسیار و سیاهی و مرک و حکما و علم بسیار و در  
شمال از بادشان و بکاشان رئیس صفهان و اگر در **جسی** بگردید  
کند بر جنگ و خردست بسیار و مرک چهار پایان و بیم و ترس از دزدان و در دزدان  
و قحط و شکی در ولایت زکب با و زمین لرزه و بطرستان و کی باران دایمی چشمه  
و نباتات زمین بسیار و مار و زکب و دزدان و در همه شراب و اگر در **جول** بگردید  
کند بر کی ایکن و خرد و بیماری بسیار و جنگ و خردست و مرک و اشقیای ولایت و خشم

و اندیشه مردمان آند یا دشت های مشهور و اگر در **تات** بگردید لید بزرگ  
و بیم مردم و کی ایست و باران و در همه ولایت و مرک و نان و خرافه و همه ولایت  
در میان مردم و اگر بقت کوفت و تره سعه به و نظر کند تا شیرانید لید کند که کفم که خرد  
اید **نصوح** در حکم و لیدش و خرفه و در سروج اگر در **ح** بگردید  
کند بر مرک چهار پایان و کشفان و شک بسیار و کی ایست و جنگ و خردست و خراسان  
و قحط و شکی آند لید کند که باران بسیار و در ولایت با بیدار و دوشنی از نایه پیران اید  
و ولایت اشک کرد و اگر در **قر** بگردید لید بزرگ و قحط و دزدان و در  
میان مردم و قحط و شکی طعم و اشقیای شراب و فهم و اندیشه مردمان و خبرهای اراست و اگر در  
**جوزا** بگردید لید بزرگ و دزدان و مرک و زمین پارس و کرمان و مرک و خرد  
کودکی با زکبان و پیران امدان و خراسان و زمین زکب و خردست و کی باران و اگر در  
**مرغان** بگردید لید بسیار و ابرو و باران و نایه و کی ایست و قحط و هوا و تباها و خرد  
و کی میره و جنگ و خردست و مرک و ترکمان و دویان و اگر در **اس** بگردید  
بزرگ بادشان و خراف و جنگ و خردست و قحط و در ولایت و جنگ و بیماری



بیاورد ملک و زوان در راه زنه ناک و اگر در **سبیل** بگذرد دلید کند بر جنگ و جدت  
 بیاورد در همه شرفا و دشمنی در ولایت و نایبی و تشنه پیش و غم و دل شکلی مردم از  
 رنج و اگر در **بزان** بگذرد دلید کند بر بدی احوال ایام و رنج و سختی  
 و قحط و دشمنی در ولایت و رنج و صفای و اندیشه و دشمنی مردم اندک و اگر در  
**عقب** بگذرد دلید کند بر بسیاری جنگ و جدت در همه شرفا و طاعت و عبادت و بیماری  
 و صفت و در اصفهان و دلشکلی ایام و نیز دلید کند بر مرکب کز نهان در زمین  
 و اگر در **قوس** بگذرد دلید کند بر مرکب شرف و علاقه و قیام و صفت و در اصفهان و دلشکلی ایام  
 و آب و چشمه و نیز دلید کند که مردی بزرگوار در صفای و طاعت و عبادت و بیماری  
 اشد و در بانی شرفا و بدی و طاعت و شرفا و اگر در **جهدی** بگذرد دلید کند بر مرکب و بیماری  
 و طاعت و عبادت و بیماری مردم و قحط و شکلی طعام و غم و اندیشه و رست و جو و غم  
 ملک و در همه شرفا و اگر در **دو** بگذرد دلید کند بر بدی احوال و قیام مردم و جنگ  
 و قحط و غم و شکلی در ولایت مردم و نیز دلید کند که در بین سال قیام مردم  
 بکشد شود ایام اسلام و ولایت و رنج و احوال و اگر در **جوت** بگذرد دلید کند بر جنگ

و قحط در ولایت

و قحط در ولایت با طاعت و قیام و شکلی در ولایت و نبات زمین و رنج و اندیشه  
 مردمان و دشمنی و ولایت اندر اقیانوس و مردم و اگر در وقت خرف و سردی و طاعت  
 کند تا شیر کند این دلید کند که کشته و اگر در رنج و دشمنی و طاعت کند تا شیر کند  
 این دلید کند بیشتر و صفت و **فصل** در حکم دلیدهای دایره شتاب  
 در بروج اگر دایره شتاب بپزد و ماه و در بروج **ص** باشد دلید کند بر شرفا  
 و ولایت و مرکب و پاریان و شکم و باران و نبات زمین و احوال بود و اگر در  
**قر** بگذرد دلید کند بر جنگ و جدت مردم و در بروج و شکم و نبات زمین و در  
 و باران و رنج و بدی و اگر در **جونا** باشد دلید کند بر ملک و اصفهان و غم  
 و اندیشه مردم و بیماری و صفت و باران و و با بسیاری بود و اگر در **رطان**  
 بگذرد دلید کند بر رنج و باران و نبات زمین و شکم و نبات زمین و شکم و نبات زمین  
 و اگر در **سد** باشد دلید کند بر مرکب و شکم و نبات زمین و شکم و نبات زمین  
 از صفای و جنگ و غم و رنج و اگر در **سبیل** باشد دلید کند بر بسیاری و غم و رنج  
 و در زمانی و رنج و ولایت و عدل و اصفاف و باران و رنج و اگر در **مزان**



بود و لید کند بر نعمت بسیار و خدمت مردم با یکدیگر مردم که بسیار بود و دشمنان را  
 با فراوان باشد و اگر در **عقب** باشد و لید کند برابر و باران با بسیار و بسیار  
 و پرده انوار و اسرار بر ملک و انشعاری و لایت امانت بسیار بود و اگر در **قرص**  
 باشد و لید کند بر بسیاری خرم و انگیز و کرمای سخت در تابستان و بهاری های گرم  
 و خشک و عدل و انصاف پادشاه بر رعیت و اینی و لایت و اگر در **جبهه**  
 باشد و لید کند بر جنگ و خدمت پادشاهان و دشمنی و لایت و کرامتی و خرمای و کرامتی  
 چشمه و کرمای و خدمت و اندیشه رعیت از پی کسی و کرامتی و طعام و اگر ماه در **دلو**  
 باشد و لید کند بر کرمای و خرمای و بسیار جنگ و خدمت پادشاهان با یکدیگر  
 و دشمنی و لایت و خدمت و اندیشه مردمان و اگر ماه در **حوت** باشد و لید کند بر ملک  
 چهار پای و بسیاری برف و باران و نبات زمین و جنگ و خدمت مردم با یکدیگر  
 و دشمنی و لایت و خدمت و اندیشه از سر و زبان و اگر **قوس** در حکم و لید کند  
 دایره ماه در بروج اگر در برج **حمل** باشد و لید کند بر خوشی و مستن  
 و کرمای سخت و تابستان و اینی و لایت و عدل و انصاف پادشاهان بر رعیت

و اگر ماه در **ثور** باشد و لید کند که بر قوه صل پادشاهان و نیکو گشت و ذریع  
 و بسیاری نبات زمین و جنگ و خدمت مردم با یکدیگر و اگر در **جوزا** باشد و لید  
 کند بر جنگ و قوه و کرامتی و خدمت و اندیشه مردم و مردم که چهار پای و اینی  
 و لایت و اگر در **میزان** باشد و لید کند بر بسیاری تخم و باران و نبات زمین  
 و زیادتی آب و چشمه و رود و اینی و خرمای و اینی و لایت و اگر در **مهر** باشد  
 و لید کند بر ملک چهار پای و چشمه و جنگ و خدمت و در میان مردم و خرمای  
 و از چرخ و قشرباش مردمان و اگر در **سنبله** باشد و لید کند بر آبادانی و عمارت و زیاده  
 و قی و آب و چشمه و رود و کرمای و مردم که چهار پای و اینی و لایت  
 و عدل و انصاف ملک بر رعیت و اگر در **میزان** باشد و لید کند بر بسیاری  
 میراث و نبات زمین و مردم که کرمای و خرمای و مردم و پی کسی با ستم و اگر  
 ماه در **عقب** باشد و لید کند بر قوه و خدمت و اندیشه و اینی از زبان و دراه زمان و نیز  
 و لید کند که اندرین سال با یکدیگر باشد و در میان سردگن و اگر در **قوس** باشد



دلایل بر جنگ پنجم مردم و کی است نبات زمین و بیماری مردم از صف و نیز  
دلایل که اکثر خزما و اکثر بسیار باشد و اگر در **جدی** باشد دلایل بر مصلحت  
و سر چهار پایان و ششگی ولایت با بلید و قفس و کرمان و کرانی نهنجا اندر سال  
و اگر در **دول** بود دلایل بر بیستاری با دو باران و کی نباتات جنگ و پنجم مردم  
با یکدیگر و غم پادشاهان بر عیبت و اگر در **توت** باشد دلایل بر باره های تیره چشم و باران  
بسیار و زدی است و عدل و انصاف پادشاهان بر عیبت و مردم چهار پایان  
و نظام و نیز دلایل بر خصله پراست و اولیای علم **پنجم** در حکم دلایل برای ماه و  
اگر ماه در برج **حده** باشد دلایل بر زیادتی غل و عیبت و مردم و اگر کج  
وی خواهد باشد دلایل بر زیادتی غل و عیبت و ایلی ولایت و اگر در **ثور** باشد  
دلایل بر دشواری ولادت زنان و خشم و اندیشه مردم و اگر کج نبوی بنویسد بود دلایل  
که بر دشواری ولادت زنان بر لیسری غل و عیبت و میره ها و ایلی ولایت و اگر در **جوزا**  
باشد دلایل بر دشواری معیشت و بیماری و اگر کج نبوی بنویسد باشد دلایل بر ازانی نهنجا

در پنج

در پنج و اندیشه خدیق که سبب نبوی و ای در راه زنان و اگر در **سرطان** باشد دلایل بر جنگ  
و نیز عیبت بسیار و کی است و اگر کج نبوی بنویسد باشد دلایل بر بیماری و مردم زنان  
خداوند و کوه پاهای انا خرماد و انچه بیاید و اگر در **اسد** باشد دلایل بر ششم و باران  
بسیار و نباتات زمین فراوان و اگر کج نبوی بنویسد بود دلایل بر ازانی نهنجا  
در پنج مردم و در سبب زنان و راه زنان و اگر در **سنبله** باشد دلایل بر بیستاری و عیبت  
و نبات زمین و اگر کج نبوی بنویسد بود دلایل بر کجی غل و کرانی نهنجا و عیبت و اندیشه  
مردم و ترس و بیم بسیار و اگر در **میزان** باشد دلایل بر بیماری و اندیشه مردم و ترس  
و اندیشه خدیق و اگر کج نبوی بنویسد بود دلایل بر کج معیشت و ایلی ولایت  
و عدل و انصاف پادشاهان بر عیبت و اگر در **مقرب** باشد دلایل بر ششم و باران و عیبت  
و نبات زمین و جنگ پنجم مردم با یکدیگر و ایلی ولایت و اگر در **قوس** باشد  
دلایل بر زیادتی غل و عیبت و ازانی نهنجا و عیبت و ترس و بیماری و اگر کج نبوی بنویسد  
باشد دلایل بر رفت و رفت و مرگ و ایلی ولایت و اگر در **جدی**  
باشد دلایل بر بیستاری و عیبت و مرگ و ایلی ولایت و اگر کج نبوی بنویسد بود دلایل











وزیر و بیاد در میان مردم و اگر ویرایا بنمیرد و لید کند بر مرک که در کاه خور  
و چهار پای و دهنم پادشاهان بر عیبت و اگر ماه در **چند** لید کند بر مرک باب  
و چهار پای و صفت شکر مضافات و افت میره های و اگر یک بنمیشق چند  
و لید کند بر مرک بسیار و نیز و لید است که دیرال به تعلیم که در کاه نشانی کرد و اگر ماه  
**رنگان** باشد و ویرایا بنمیشق چند و لید کند بر بسیاری و زردانی و راه زنای و  
اندل خواج بر مرک و اگر وی را بسیار بنمیرد چند و لید کند بر مرک که پیران شق  
و عدل و انصاف پادشاهان بر عیبت و سنج و افت مرد لایت با لید و اگر ماه اندر  
برج **س** باشد و ویرایا بنمیشق چند و لید کند بر قوه حالی پادشاهان و در سنج شق  
بر عیبت و ویرایا پادشاه و اگر ماه در **سند** باشد و ویرایا بنمیشق چند و لید است بر سنج  
و صلاح کاره های مردم و باران و سرکهای سخت و زمستان و برف و سنج نید و اگر  
ویرایا بنمیرد چند و لید کند بر فضیلت بازرگانان و غایبی و لایت از کس و زوال  
و راه زنای و اگر ماه در **میزان** باشد و ویرایا بنمیشق چند و لید است به پادشاهان و نهایی  
و غایبی و لایت عدل و لایت با لید و اگر ویرایا بنمیرد چند و لید کند بر زیادتی

چهار پای

چهار پای و عدل و انصاف پادشاهان بر عیبت بسیاری مرک که در کاه و اگر ماه در  
**نور** چند و لید کند و ویرایا بنمیشق چند و لید کند بر خصال بازرگانان و ستمی شدن و لایت  
و راه زنای و بر پادشاهان و اگر یک بنمیرد چند و لید کند بر قوه عظیم و راه پادشاه  
و هلاک چهار پای و خلاق در میان خلدی و مرک پادشاهی بر مرک و اگر ماه در **قمر**  
باشد و ویرایا بنمیشق چند و لید کند بر بسیاری و تجارت و نیکی با پادشاهان و  
و لایت با لید و مردم و دوی و فرومایه و اگر ماه در **سج** باشد و ویرایا بنمیشق چند  
و لید کند بر صلاح کاره های مردم و غایبی و لایت و اگر یک بنمیرد چند و لید کند  
بر صلاح کاره های مردم و این و بر صلاح کاره های مردم و اگر ماه در **سج** باشد و لید کند  
بر بسیاری و ششم و باران و در زانی و غایبی و اگر ویرایا بنمیرد چند و لید کند بر صلاح کاره های مردم  
چهار پای و نیز و لید کند بر فضیلت بازرگانان و غایبی و لایت و اگر ماه در **سج** باشد و ویرایا  
بنمیشق چند و لید کند بر صلاح کاره های مردم و لایت و غایبی و لایت و اگر ماه در **سج** باشد و لید کند  
علوم و اگر یک بنمیرد چند و لید کند بر فضیلت بازرگانان و لایت و غایبی و لایت و اگر ماه در **سج** باشد و لید کند  
و در غان **ا** پی **نور** در حکم و لید های مردم و اگر ماه در **سج** باشد و ویرایا بنمیرد



شرق پند و لید کند بر ترس و بیم و اندیشه مردان ششم باران بسیار و فیهه ای است  
اما در اطراف باران بسیار و فیهه ای است و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق  
بنید و لید کند که در نورتن و فارس با و فیهه ای واقع شود بسیار مردم در آنجا ملک  
شوند و اگر کسی بنیست و لید کند بر نورتن و فیهه ای در و یا در مغرب پادشاه اولایت  
جو رو خط کند بر عیشت و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند بر فیهه ای  
زمین و چاری های بسیار و اگر در ایام شرق پند و لید کند که برهه و افراوان باشد  
و هم در آن بسیار بار و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند که در آن  
ولایت ملک و چاری و دو بسیار بود و پادشاه شرق شهری نو پیکر و اگر در  
بجای بنیست پند و لید کند که مردی بزرگ بر پادشاه اندیا راجی شود و در میان عیشت  
اشکاف آید و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند که پادشاه اولایت  
از ولایت خود در جلد کند اما میوه بختی را در مردم اندر خیر و صلاح و سلامت باشد و اگر در  
بنیست مغرب پند و لید کند بر فیهه ای و نورتن و فیهه ای بسیار و ترس عیشت از لشکر ایان  
و نورتن از صلح و این بنید آید و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند که در آن

عرب جنگ

عرب جنگ و نورتن آید و اگر در ایام شرق پند و لید کند که در میان سال در  
ولایت فارس جنگ و فیهه ای و نورتن و فیهه ای باشد و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق  
پند و لید کند که مردمان با لید کند جنگ و نورتن کند و اگر در ایام شرق پند و لید کند  
لید کند که باران بسیار بار و مردم اندر این ولایت باشد و اگر ماه در **شهر**  
باشد و در ایام شرق پند و لید کند که اندر میان مردم خیر و عداوت شد بسیار  
مردم بر دست یکدیگر ملک شوند و اگر کسی بنیست پند و لید کند که پادشاه اندیا و ملوک  
شوند و بندگان مطیع خداوندان شوند و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق  
پند و لید کند که پادشاه با لید کند از جایگاه خویش حرکت کند و سال مردمان را چنان  
در جنگی اندر و طعنه کشند و اگر کسی بنیست پند و لید کند که ترکان بر مردمان در دست  
کنند و از آن صفت ضعیف شود و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند که در  
خی جبهه ها و نه قیاس باشد و باران و اگر در ایام شرق پند و لید کند که در میان  
دو گشت لشکر ایان و نورتن و فیهه ای بسیار بود و اگر ماه در **شهر** باشد و در ایام شرق پند و لید کند



بر عذر کردن مردی بزرگوار با پادشاه از ولایت بختیاری پادشاه کفر کرد و چنان  
پادشاه کفر کرد و اگر در ایالتی پند و اندرز بر قحط و شکی طعام پیدا کرد و اگر ماه در  
باشد و در ایالتی شرق پند و اندرز بر بارانی بسیار و مرکب چهار پایی و شکی طعام  
و نیز و اندرز که در دام بسیار باشد و اگر در ایالتی مغرب پند و اندرز که در میان  
مردم جنگ و بخت بسیار باشد و پادشاه مال مغرب یا یکدیگر جنگ و محاربه بسیار  
کند و وقت پادشاه سلام باشد **فصل** در حکم و اندرزهای سرخ که در استان بدین اید و بدین  
**حد** اگر سرخ جانب شرق پند و اندرز بر سرخی احوال مردم و فرج یافتن از غم اندازند  
و پیش بر دانی و اگر در ایالتی مغرب پند و اندرز بر فقر و عیاشی شدن بر بزرگان  
نشد بر پادشاه و سرخ و اندرز مردم و با فقر و فقر پادشاه را باشد و اگر ماه در **فصل**  
باشد و در ایالتی شرق پند و اندرز بر زیادتی آب و نباتات زمین و شکی در ولایت  
جریان و اگر در ایالتی مغرب پند و اندرز بر فقر و عیاشی و جنگ و در ولایت  
مرد و کشتن ترس و از زلال و زرد زلال و اگر ماه در **فصل** باشد و اندرز بر مردم و بزرگان و کشتن

پادشاه مال

پادشاه مال و از استان ترس و از زلال و اگر در ایالتی مغرب و اندرز که بختیاری در ولایت  
مغرب باشد و اگر ماه در **فصل** باشد و در ایالتی شرق پند و اندرز بر فقر و عیاشی شدن بزرگان  
و پادشاه مال و اگر در ایالتی شرق پند و اندرز بر فقر و عیاشی شدن بزرگان و اگر در ایالتی  
مغرب پند و اندرز بر بزرگاری سخت و در ولایت و اگر ماه در **فصل** باشد و در ایالتی مغرب  
شرق پند و اندرز بر فقر و عیاشی شدن بزرگان و اگر در ایالتی مغرب پند و اندرز بر بزرگاری سخت  
و بزرگاری از مغرب جنگ و در ولایت مغرب پند و اندرز بر بزرگاری سخت و بزرگاری  
از مغرب جنگ و در ولایت مغرب و اگر ماه در **فصل** باشد و در ایالتی شرق پند  
و اندرز بر بزرگاری و در ولایت و در ایالتی مغرب پند و اندرز بر بزرگاری و در ولایت  
در ولایت فارس و کرمان و شام و طبرستان و اگر ماه در ولایت **فصل**  
باشد و در ایالتی شرق پند و اندرز بر بزرگاری و نباتات زمین و با فقر و فقر و  
قسط و عیاشی و در ولایت و اگر در ایالتی مغرب پند و اندرز بر فقر و عیاشی و در ولایت  
**فصل** باشد و در ایالتی مغرب پند و اندرز بر فقر و عیاشی و در ولایت و اگر در ایالتی مغرب  
مغرب پند و اندرز بر بزرگاری و در ولایت و اگر ماه در **فصل** باشد و در ایالتی مغرب











باز رکمانی واکه اسم **پادشاه** در حکم دلیلی که با کنگر دی رسد و بر وجه چو در  
 باشد بفرستد لیکند بر خضی ما و خرمای خوش و بستیاری بنات زیرین و زانی  
 ز خندان بستیاری غم و حیرت چو ماه در **پادشاه** باشد دلیلی که بر عمارت و بستیاری چو  
 کنگر قمار می و مرغی ای و از زانی میره نانی کسی مردم و خاری پادشاه فلسطین و خرمی  
 دشمن روی چنگ و شمشیر ای ولایت و نانی مردم بپرستی واکر در **پادشاه**  
 باشد دلیلی که بر باد می خنفت و حیرت چو ماه در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 پادشاهی بپرستی واکر ای ولایت از بپرستی واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
**پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 ز خندان و خرمای واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 و پاری و کرمانی بخت در تابستان و وقت احوال پادشاهی واکر وقت غنید  
 زاید التیر باشد دلیلی که بر باد می خنفت و زنی بخت در ولایت فی شاد و در ترکستان  
 واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت و پاری و کرمانی بخت در تابستان  
 واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت

باشد

میزان باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 سخن درستی بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
**پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 بختی بستیاری واکر ای ولایت از بپرستی واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
**پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 صعباندر رنج و خنده باز رکمانی واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 ریز واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 بنات زیرین و زانی بخت در تابستان و وقت احوال پادشاهی واکر وقت غنید  
 واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت  
 باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت

واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت

واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت واکر در **پادشاه** باشد دلیلی که بر باد می خنفت







و غم و اندیشه مردمان و نانی ولایت را کرد **پس** دلیله بر بیماری همه و شکی  
 طعام و جو و غلات و خجسته بسیار خورانی و استجارت و مضرت بازگشتن و تا  
 اینی راه پیدا کرد **پس** دلیله بر بیماری سخت در مستی و غصه و  
 شاه مان با یکدیگر و ترس و بیم و خجسته و از چشمت و در خدای و اگر در **پس**  
 دلیله بر بیماری و یکی بهای چشمه و کارین و مرکب کشف و بیماری مای سخت  
 و تبهایی کرم و سم کردن ملک بر رعیت و ششک و ولایت را کرد **پس**  
 دلیله بر بیماری و بیماری مای سخت و غم و اندیشه مردمان و خورانی و استجارت  
 از روز دای و راه زنه نانی و اگر در **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 قدر و خجسته بسیار و غم و اندیشه مردمان از نانی ولایت را کرد **پس**  
 دلیله بر بیماری بسیار و خجسته و ملک با یکدیگر و نانی ترس مردم اندر نیمه  
 سال و نیز دلیله که اندرین سال حریق بسیار افتاد و اگر در **پس** دلیله  
 بهلا که پادشاهی بزرگ در مضرت است و غم و اندیشه مردم و بهلا که بهلا  
 و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله

دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 ولایت و نانی زمین و خدای  
 افتاد و بهلا که بهلا

سخت

سخت در بدج و بی ماه در **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 مردم بسیار و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 باران نرم و امده بار و دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 در شکم مادر و بهلا که بهلا **پس** دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 و اگر نانی غلظت و و با و علت و در بیماری مردم را از روز دای و دو دوام درین سال  
 مضرت پیدا کرد **پس** دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 در غلظت و و مرکب چهار پای و خدای و سفایین و اگر در **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 مردم و نانی و طعام و نباتات و از نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 رسد اگر در **پس** دلیله بر بیماری و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 و مرکب و نانی و غلظت و و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله  
 بر کرمی و نباتات و غلظت و و غم و نانی زمین و خدای **پس** دلیله بر بیماری و شکی سال و نیز دلیله



و بارنگی تزیینش و اگر در **قصد** باشد و لیکن بر عین حال اما تنها و بیماری ما  
 در میان خلعتی باشد خلاصه در سر و سر و در چشم و اگر در **قصد** باشد و لیکن  
 کند بر این ولایت و صلاحی مردم و بر کس و معیشت خلعتی و بر یاری نعمت  
 و فواید و ارزانی و اگر در **قصد** باشد و لیکن بر شرف و در محبت پادشاه عزیز  
 و عدل و انصاف و در خلعتی اما خرد و اندکین سال کمتر باشد و اگر در **قصد**  
 در حکم و لیکن یاری باریدل ملک چل ماه و در سر **قصد** باشد و لیکن بر شرف  
 میان شکی و تشرف و در میان مردم و خبرهای از چندی خزان بازگشتن و نماندن  
 ولایت و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر بیماری با صحت و خوشنیتی بسیار  
 در ولایت پس و ما زنده ای بسیار بنات زمین اما خبرهای از چندی بسیار  
 باشد و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر عظیم خوشنیتی بسیار و بزرگ پادشاه  
 و موی نر و در و عین چهار پادشاه و شکی و تشرف و در خلعتی و اگر در **قصد**  
 یار و و لیکن بر ارانی نر و عین و باریدل و باران بسیار و عظیم و اندک مردم بسیار

و با و عین و در خلعتی و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر عین و شرف و ملک  
 با یکدیگر و خوشنیتی بسیار و چهار پادشاه و خبرهای از چندی و اگر در **قصد**  
 یار و و لیکن بر شکی و نماندن ولایت و در حال مردم رستاق و در عین و پادشاه  
 مال بر شرف و در ملک و معیشت و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر شرف پادشاهی و در  
 با یکدیگر باشد و خارج بر خود و کند و در زان و شرف پادشاه با یکدیگر و در اموال و بسیار  
 انجاعت را بتا راج دهد و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر بیماری با صحت و شرف عظیم  
 و تشرف و عین و در مال و معیشت و اگر در **قصد** یار و و لیکن  
 بر اندک مردم و در عین سال شرف و شکی و در پادشاه و خارج پادشاه و در عین و شرف  
 پادشاه و اگر در **قصد** یار و و لیکن بر عین و در عین و شرف و عین  
 طایفه بر عین اما و عین و خبرهای از چندی و عین و شرف و اگر در **قصد**  
 باشد و لیکن بر عین و اندک و اندک پادشاه و در عین و شرف و عین و شرف و  
 بسیار و عین و بنات زمین **قصد** در عین و لیکن یاری باریدل و شرف  
 از به چو ماه و در سر **قصد** باشد و عین و شرف یار و و لیکن بر شرف

سال چهار و در عین و شرف  
 و در عین و شرف و عین و شرف  
 و در عین و شرف و عین و شرف  
 و در عین و شرف و عین و شرف











در حکم دلیدگی شکست و تار یک شدن بر او و بروج چو ماه در  
باشد و دلیدگی بر ششم و اندیش بر عت از جو و غم ملوک اما غم و میده با فو اوال باشد  
اما که فتنه کمر باشد و چو ماه در **دوازدهم** باشد و دلیدگی بر مرک چهار پای و تابی  
بر باد و افت از اجوت و نیز دلیدگی بر خردست میانی امر و خبرهای ار حیف و چو  
در **چون** باشد و دلیدگی بر خردست باز رگمان از کسب و زوال اما غم و غمت  
فروان بود و مردی بزرگوار اندر بنی مال هلاک کرد و چو ماه در **سی و یک** باشد و  
کند که پادشاه مال بایک بکر عداوت و زنده و شکری بسیار هلاک کرد و زنده گران  
کرد و خدعه در اول سال و چو ماه در **پنجاه** باشد و دلیدگی بر کرمای تالین  
و مرک جوانی و نیز دلیدگی کند که پادشاهی در اندیشه هلاک شود و ولایت شفته  
کرد و چو ماه در **سی و پنج** باشد و دلیدگی بر شکلی سال و کی باران و نباتات  
زمین و خنثی ایست و رت و زمین لرزه بسیار و خوف بود و خدای چو  
ماه در **سی و نه** باشد و دلیدگی بر اندوه پادشاه مال و ولایت و رنج و شکلی  
مردمان و کی کسی باز رگمان و خبرهای ار حیف میال و خلاقی چو ماه در

باشد

**نهم** باشد و دلیدگی بر خط و شکلی سال و شوق و خبر بهارات و نیز دلیدگی  
که اندرین سال مخاین بسیار رفیق شود و چو ماه اندر برج **حج** باشد و دلیدگی  
که اندرین سال غم و خوار و نباتات زمین فراوان باشد و مردم را سر و ذکا هم نزل  
بسیار بود و با دهن بسیار روز و اگر در **جده** باشد و دلیدگی بر رنج و اندیشه  
مردم و جو و غم ملوک و مصادره ملوک بر رعایا و تالینی راهها و بعضی محال از **نهم**  
و اندیش و اگر در **دو** باشد و دلیدگی بر باد و کی مخالفت کی نم و باران و نباتات  
زمین و بیماری صعب و غم و اندیشه خلاقی از جو و ملوک و چو ماه **پنجاه** باشد و  
کند بر مرک چهار پای و دار زانی و زنده طعم و منفعت تجار و الله اعلم **فصل**  
**سی و یک** در حکم دلیدگی بر جستن با و سخت در بروج اگر در نیمه ماه بادی سخت بکشد و ماه  
در برج **حج** باشد و دلیدگی بر رنج و بیماری های صعب از صفا و مرک جوانان و  
اثر و شکار و خبرهای ار حیف و غم و اندیشه مردمان و چو ماه در **دوازدهم** باشد و  
کند بر بیماریها و صفا و نباتات و کی ایهای خسته و در خانه و در مای سخت  
درستان و مرک چهار پای و چو ماه در **چون** باشد و دلیدگی بر اندیشه







یکدیگر میزنند است این سحر است و هر که چهار پایی و چو ماه در **خرداد**  
 باشد و لیکن بر بستیاری ابرو باد و باران و نبات زمین و غم و اندیشه را  
 از جور و ستم بادشاهی و بیماری بستیاری و در خلدی و چو ماه در **فروردین** باشد و لیکن  
 کند فیاد میره ماه کی نبات زمین و بهائی صعب و پیاری و نیز و لیکن که مردی  
 بزرگ و دران دیار هلاک شود و چو ماه در **اردیبهشت** باشد و لیکن بزرگ زن  
 وفاد میره و خلد و دوام و تشریش و اندوه غیبت از جور و ستم و چو ماه در **مهر**  
 باشد و لیکن بر باد و ای محنت کی ابا و فست میره و هر که چهار پایی و چو ماه در **شهریور**  
 قبیله و زنگنه و قهر کردن ایشان و شمشاد چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ  
 ابا و دریا و آفتاب و جبهه با فراوان باشد و ابا و تجارت را که در منفعت اندیشه  
 سالی کمتر باشد **فروردین** چو ماه در **اردیبهشت** در حکم و لیکن با غنی که از زمین شنود  
 چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ یکی از پادشاهان اندیشه و غم  
 و اندوه و تشریش خلدی یا خرد سالی و قحط و شکر طعام و خشکی سالی و چو ماه در **مهر**  
 باشد و لیکن بزرگ ابا و ای چشمه در رود و جنگ و خمر است مردمان با یکدیگر میزنند

و لیکن

و لیکن که پادشاه از ولایت چهار شود و دشمنی و خلافت ولایت او که چو ماه در **فروردین**  
 باشد و لیکن که در میان سلاطین جنگ و محاربه باشد و در میان پادشاهان  
 بزرگ هلاک شود و در محلات و بستیاری و خوار و بی نصیبی واقع شود و چو ماه در **اردیبهشت**  
 باشد و لیکن که در ولایت خراسان و حبس قحط و شکر و بیاید و نیز  
 و لیکن که پادشاهی در اندیا و هلاک کرد و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ  
 نبات زمین و فیاد میره و در خلافت پادشاهانی با یکدیگر و قهر و خشم و بیست  
 و خردای ابر و چو ماه در **فروردین** باشد و لیکن که پادشاهان محکمت شنید  
 بستیاری و بیاید و در ولایتش قحط و بیاید و سرانجام ایشان را قهر کند و غم و سزا  
 باشد و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ و غم و شکر ولایت و سنج  
 و اندیشه خلدی و فیاد میره و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ یکی  
 سستیاری و مردمان آنهم و باران بستیاری باشد و نیز و لیکن بر سرهای صعب و در  
 زمینی میره و نبات زمین فراوان باشد و چو ماه در **اردیبهشت** باشد و لیکن  
 بستیاری و قحط و طعم و فیاد میره و در خلافت و خمر است مردمان با یکدیگر میزنند

و لیکن که پادشاه از ولایت چهار شود و دشمنی و خلافت ولایت او که چو ماه در **فروردین**  
 باشد و لیکن که در میان سلاطین جنگ و محاربه باشد و در میان پادشاهان  
 بزرگ هلاک شود و در محلات و بستیاری و خوار و بی نصیبی واقع شود و چو ماه در **اردیبهشت**  
 باشد و لیکن که در ولایت خراسان و حبس قحط و شکر و بیاید و نیز  
 و لیکن که پادشاهی در اندیا و هلاک کرد و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ  
 نبات زمین و فیاد میره و در خلافت پادشاهانی با یکدیگر و قهر و خشم و بیست  
 و خردای ابر و چو ماه در **فروردین** باشد و لیکن که پادشاهان محکمت شنید  
 بستیاری و بیاید و در ولایتش قحط و بیاید و سرانجام ایشان را قهر کند و غم و سزا  
 باشد و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ و غم و شکر ولایت و سنج  
 و اندیشه خلدی و فیاد میره و چو ماه در **مهر** باشد و لیکن بزرگ یکی  
 سستیاری و مردمان آنهم و باران بستیاری باشد و نیز و لیکن بر سرهای صعب و در  
 زمینی میره و نبات زمین فراوان باشد و چو ماه در **اردیبهشت** باشد و لیکن  
 بستیاری و قحط و طعم و فیاد میره و در خلافت و خمر است مردمان با یکدیگر میزنند



در اولایت و محنت ملک با یکدیگر و خبرهای از چپ و چوای ماه در **دول** باشد  
 و لید کند بر خرابی قوی با خرابی است و تقصیر فیض و عقار و چوای ماه  
 در **دول** باشد و لید کند بر بیماری و و باد مرگ مضاجات و غم و اندیشه مردمان  
 و زیاده و قیامها و نیز و لید کند بر زمین لرزه و آفت و جبهه بهایست باشد  
**فصل پنجم** در لیدهای زمین لرزه چوای ماه در برج **ح** باشد  
 و زمین بلرز و لید کند بر فتنه و سرخ و شکی احوالی مردم و خبرهای از چپ و چوای ماه  
 نزدیک و در ولایت فارس و باده و در بیکان و مرگ چهار پای و مملکت و ولایات  
 و قحط و شکی و دنا و جی راهها از بسبب و زوای و قطع از طریق و بیماری مختلف  
 و فوت و مرگ و جو و دفع باد شاه مال بر خیزد و چوای ماه در **دول** باشد  
 و لید کند بر کمی ابا و بارانها و جو و باد شاه مال و مرگ چهار پای و قحط و شکی  
 طعم فتنه و در مردم و شام و اگر سخت بلرز و و لید کند بر بدی احوالی مردم و نیز  
 از شهر بشهر فتنه از سرخ و شکی و دنا و ولایت و چوای ماه در **جوزا** باشد و لید کند  
 بر و باد و بیماری و جبهه و خیزد باد شاه مال با یکدیگر و شکی و ولایت طرست و در

در زمین

و در زمین بستاند و رانند و رانند و مرگ کاد و کوشدای و کمی ابا و شکی و کاریز  
 و مضاجات بازرگانان و مسافران و ترس و چوای ماه از بسبب و زوای که ابا و بار  
 عطف و گردانند و اگر **دول** باشد و لید کند بر شکی و ولایت و سرهای صعب  
 و در زمستان و بستاند و ابر و باران و فتنه و اگر شکی و زمین بلرز و لید کند  
 بر خرابی جایها و نیز و زمین بستاند و در ولایت خراسان و ولایت و شفاف احوالی  
 مردم با یکدیگر و خبرهای از چپ و چوای ماه **د** باشد و لید کند بر بیماری  
 بستاند و فوت و مرگ و کمای سخت و بستاند و کمی ابا و شکی و کاریز و نیز و لید کند  
 که در میان پادشاهان ترکستان و خلفا و پادشاهان بزرگ و در میان فوت  
 شود و بین بسبب در میان ایشان و خیزد و واقع شود و چوای ماه در **دول** باشد و لید کند  
 که در فتنه و زرع بر بیماری و روم و ولایت و انصاف پادشاهان  
 بر خیزد و بیماری و خرابی و جبهه و خیزد و زمین بستاند و در افغان که دشمن و خوار  
 پادشاه مال با یکدیگر و چوای ماه در **دول** باشد و لید کند بر بدی احوالی مردم  
 و ترس و بیم و در فتنه و دنا و فتنه و نبات زمین و احوالی باشد و میان لشکر و مردم



و فرزند خانیست که بیست و نهمی مردم یکدیگر را ملاک کند و قحط و فحش و بیماری در آنوقت  
باشد و در آخر ماهین سالک طین صلح شد و چو ماه **مهر** باشد و لیکن  
برغم و بارانی و مرکب چهار پایان و اندکی طغ و مرکب و بیماری و سرمای صعب  
در زمستان و بودی ز قحط و نزله و سرفه و در میان خلایق قحط و فحش  
و مرکب مضاجات در میان مردم و بیماری خلایق در آنجا بکشد و چو ماه **فروردین**  
باشد و لیکن بفرمان و غلبه و نبات زمین و کراتی زخما و بیماری صعب  
در شهرستانی که هستی و مانند رانی و صفای و نیز و لیکن بر سر که شد ای  
و چهار پایان و با ضرر سال حال مردم نیکو گردد و چو ماه **اردیبهشت** باشد و لیکن  
بر قحط و غلبه و کسند و ستانی و ولایت صلبه و زکات و زنجیر و بیماری  
و بکشد و فحش و بیماری و صلح شد و چو ماه **مهر** باشد و لیکن  
کند بر ترس و مردم و فحش و از سبب و زانی و راه زنان و مضر و باز  
کافی و اندکی با و دمای بسیار و اندکی و بکشد و **مهر** باشد و لیکن  
برغم و بارانی و بیست و نهمی مردم از بیماری و فحش و طغ و در آنوقت

و نیز و لیکن

و نیز و لیکن که در ولایت شام و بکشد و فحش و طغ و در آنوقت  
**فروردین** در طغ و لیکن که کافی و مستحکم و چو شش ماه در برج  
چو ماه **مهر** باشد و لیکن بر بیماری کرم و بیماری و صعب و اندکی  
مال و نیز و لیکن بر غم و اندکی مردم و فحش و بیماری و در شهرهای با و فحش  
و فحش و چو ماه **مهر** باشد و لیکن بر قحط و حال پادشاه مال و  
حوال عیبت و ناز و مکر و زمانی با شش و آن و کی است و کرم و زوشت  
میه و چو ماه در برج **مهر** باشد و لیکن بر راحت و فحش و فحش  
اول مال و راحت است و دانش و خداوندانی قلم و چو ماه **مهر** باشد  
و لیکن بر بیماری و بارانها و فحش و ایها و عدل و انصاف پادشاه مال و  
اما زکات و نزله و فحش و اندکی بسیار باشد و چو ماه **مهر** باشد و لیکن  
بر قحط و حال پادشاه مال و کی فحش و کراتی زخما و پی کسی مردم و بیماری بسیار  
و بیماری کرم و نیز و لیکن بر غم و اندکی عیبت و ایها و بارانها و اول سال چو ماه



در سنبل باشد دلید کند برگی ایا و بارانها در او اول سال خوشم و اندیشه مردمان  
و نازگاری از دواج و پیاپیها از سرد و ملاک شدن پادشاه اظهار و نانی  
ولایت شام و خوزستان بسیار و چو ماه در **میزان** باشد دلید کند برگی بر شیت  
و خرمای از چغیر پادشاه امان در ولایت اینی باشد و نیز دلالت کند بر ملک چنانچه  
در شیخ خلدی در آخر ماهی و چو ماه در **عقرب** باشد دلید کند بر شکی طعام و قحط مردم  
از بسبب زوال و راه زنه نال خلدی در ولایت یمن و حجاز و طایفه مرگ یاد  
شاه نال اندیاری و چو ماه در **قوس** باشد دلید کند بر شادی و خرمی مردمان و کسب  
و پیشه ایست تجارت و عدل و انصاف پادشاه بر عیث اندرین سال و چو ماه در  
**جدی** باشد دلید کند بر یزیدی احوالی و اقمین بسیار و طعام و غنای ارضی اندرین  
سال و خرمی و رحمت خلائق و نانی مردم و چو ماه در **برج** باشد دلید کند بر حرب  
و خرمی و ملک با یکدیگر و غم و اندیشه مردم و خرمی از پی روشنی و بیماری صعب  
و فساد و زرع خلدی در او اول سال و چو ماه در **حوت** باشد دلید کند بر عظمای  
صوب و سلام و ذات ایچ و مرگ زنان و کودکان و طفلان خلدی در او اول سال و ناله غم

در مکمل دلید کند

**در سنبل** در مکمل دلید کند سرهای بی انگام بر چو شش ماه در برج **حوت**  
در **حمل** باشد کند بر غم و اندیشه و فساد و فتنه و چو یک ماه در میان اپر فارس  
و قطعی و چو ماه در **ثور** باشد دلید کند بر عیث از پادشاه خرمی و رحمت رسد  
در مردمان را کسب و منفعت باشد و نبات و جو بات فراوانی باشد و چو ماه در  
**جوزا** باشد دلید کند بر شاد کاهی مردم و اینی ولایت بسیار و صوبه امان در  
آخر سال بیماری و تنهایی و چو ماه در **سرطان** باشد دلید کند بر فتنه و غم و  
بیماری و نوبت از او و چو ماه در **اسد** باشد دلید کند بر غم و تنهایی پادشاه نال  
بر عیث بی نفی مردم و غم و اندیشه ایست تجارت از بسبب زوال و کسب نال  
و بیماری چشمه و در و چو ماه در **سنبل** باشد دلید کند بر عمارت های ارضی و شکی  
ولایت و خرمی از چغیر و ترس و بیم مردم و ایست تجارت و فساد و خلدی  
و چو ماه در **میزان** باشد دلید کند بر بیماری صوب و مرگ بسیار و در و با و خرمی  
مردم با یکدیگر و کسب نبات زمین و چو ماه در **عقرب** باشد دلید کند بر غم و بیماری بسیار  
و تنهایی و ناله عیث و مردم رستاق از جو و فتنه و بی نفی مردم و نانی مردم و ناله



و چو ماه در قوس باشد دلید کند بر خیز و صلاح عیشت و غذای از صاف پادشاهان  
 و بسیاری نبات زمین نموده در ماه چو ماه در جدی باشد دلید کند بر غم و اندیشه  
 عیشت و مرگ و بیماری و گی نباتات زمین و پر و شتر و خنجر و خنجر در اول سال چو  
 ماه در میزان باشد دلید کند بر باد های بسیار و صعوبت زمستان و افت چاهان  
 و درخت های میوه در زمردم از قیام و زلزله اندرین سال بسیار باشد و اگر ماه  
 در برج حوت باشد دلالت کند بر باران بسیار و زیاده و قیام و کار و زور و  
 و نباتات زمین درین سال بسیار باشد و الله اعلم **فصل بیست و هشتم** در حکم  
 دلید های بارید و برف پی هنگام بر گشتن ماه در برج اگر ماه در برج  
**ح** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر قشیش و اندیشه مردم و بیماری  
 و مرگ و ستم کردن پادشاه بر عیشت و ثقیل ولایت از بسبب زدن دای و راه زدن چو  
 ماه در برج **ذر** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر قیامت بزرگان  
 و مرگ که سقادی و افت نباتات زمین اما مردم لبدمت باشند و چو ماه در  
 برج **ج** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر خیزهای ار جفت و ترس و

تجارت

و چو ماه در قوس باشد دلید کند بر خیز و صلاح عیشت و غذای از صاف پادشاهان  
 و بسیاری نبات زمین نموده در ماه چو ماه در جدی باشد دلید کند بر غم و اندیشه  
 عیشت و مرگ و بیماری و گی نباتات زمین و پر و شتر و خنجر و خنجر در اول سال چو  
 ماه در میزان باشد دلید کند بر باد های بسیار و صعوبت زمستان و افت چاهان  
 و درخت های میوه در زمردم از قیام و زلزله اندرین سال بسیار باشد و اگر ماه  
 در برج حوت باشد دلالت کند بر باران بسیار و زیاده و قیام و کار و زور و  
 و نباتات زمین درین سال بسیار باشد و الله اعلم **فصل بیست و هشتم** در حکم  
 دلید های بارید و برف پی هنگام بر گشتن ماه در برج اگر ماه در برج  
**ح** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر قشیش و اندیشه مردم و بیماری  
 و مرگ و ستم کردن پادشاه بر عیشت و ثقیل ولایت از بسبب زدن دای و راه زدن چو  
 ماه در برج **ذر** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر قیامت بزرگان  
 و مرگ که سقادی و افت نباتات زمین اما مردم لبدمت باشند و چو ماه در  
 برج **ج** باشد و برف پی هنگام بیارد دلید کند بر خیزهای ار جفت و ترس و

و در برج و غلای بسیار و صعوبت زمستان و دای مردم اندرین سال چو



در دله دلیک برقه احوال و کاین و ایه استحق و غم  
و اندیشه خلدی از کلام و ترنم و سرخ و سرل کوشتن و حیرانات

اندیشه سال و چو ماه در



در دله



v9, 9, v